



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۰، شماره ۲، پیاپی (۱۱۲)، تابستان ۱۴۰۲

Home page: www.cmess.sinaweb.net

مصر، ایران و آینده جغرافیای اقتصادی خاورمیانه

سید حسین موسوی^۱

در دوم ژوئن ۲۰۲۳ «امیلی میلیکن» تحلیلگر ارشد مطالعات امنیتی اتحادیه اروپا و «جورجیو کافایرو» مدیرعامل تحلیل کشورهای خلیج فارس (Gulf State Analysis) که در امور ریسک ژئوپلیتیکی تحلیل ارائه می‌کنند، مقاله‌ای را منتشر کردند تحت عنوان «مصر و ایران: به سوی نزدیکی» که در آن تاکید کردند تنش زدایی بین دو کشور پرجمعیت خاورمیانه از یک الگوی منطقه‌ای و دیپلماسی جدید پیروی می‌کند. در مقاله آنان آمده که در گذشته تلاش‌های زیادی برای عادی‌سازی روابط بین مصر و ایران صورت گرفته است، اما همه آنها به دلایل مختلفی شکست خورده‌اند ولی این بار تفاوت دارد و منافع و مصالح گوناگونی در پس این عادی‌سازی وجود دارد. به نظر می‌رسد راز عادی‌سازی روابط دو کشور پس از چهار دهه قطع ارتباط در همان تغییرات جدید در جغرافیای راهبردی منطقه است که نویسندگان مقاله از آن به عنوان الگوی منطقه‌ای یاد کرده‌اند که از بهبود روابط ریاض و تهران آغاز شد و به تدریج کشورهای دیگر منطقه به آن پیوستند و آخرین آن از این دست، بهبود روابط مصر و ترکیه است که پس از تیرگی طولانی روابط که از بهار عربی و برکناری محمد مرسی شروع شد، اینک گویا دوره‌ای از کاهش تنش میان اردوغان و السیسی نیز آغاز شده باشد.

خلیل العناین محقق ارشد مرکز عربی در واشینگتن می‌نویسد: کاهش تنش بین عربستان و ایران پیشران این همگرایی‌های منطقه‌ای است و تنش زدایی بین ایران و عربستان در سراسر منطقه طنین انداز شده و فضای بی‌سابقه‌ای از خوشبینی را ایجاد کرده است. اگر ریاض بتواند روابط خود را با تهران واقعا عادی کند، دلیلی وجود ندارد که سایر کشورهای عربی از جمله مصر از آن پیروی نکنند. نباید فراموش کرد که مصر و ایران روابط مستحکمی با روسیه و چین دارند، از سوی دیگر تلاش‌های سلطان هشتم

۱ - مدیرمسئول فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه و رئیس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

پادشاه عمان را نیز نباید از نظر دور داشت. سفرهای او برای نزدیک کردن دو کشور چشم‌اندازی را برای دستاوردهای دیپلماتیک ایجاد کرد. عمانی‌ها این بار نیز نقش میانجی‌گری خود را به خوبی ایفا کردند. به نظر می‌رسد کشورهای خاورمیانه به‌خوبی دریافته‌اند که آمریکا دیگر در موقعیتی نیست که بتواند سلطه یک جانبه خود را در منطقه اعمال کند، شاید یکی از دلایل شکوفایی دیپلماسی در منطقه همین باشد.

همه کشورهای منطقه از همگرایی سود می‌برند. جمهوری اسلامی نیز با کاهش تنش در روابط خود با جهان عرب مانع متحد کردن آنان از سوی آمریکا و اسرائیل علیه ایران می‌شود. مصر نیز از نزدیکی با ایران می‌تواند امیدوار باشد که ایران بتواند نقش میانجی را در ارتباط با جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی در غزه ایفا کند. مصر افزون بر ایران و ترکیه روابط خود با عراق را نیز ارتقا می‌بخشد. سفر غیر منتظره عمار حکیم از جریان جنبش حکمت ملی عراق به قاهره در اوایل خرداد امسال و ملاقات با رئیس‌جمهور مصر نشانه‌هایی از تمایل این کشور به ارتباط‌گیری با شیعیان حاکم در عراق تلقی شد، در عین حال نیز نشان داد که عراق و به‌ویژه جریان شیعی این کشور گرایش به ارتقاء روابط خود با جهان عرب دارد.

مصر در تازه‌ترین اقدام خود توسط «کامل الوزیر» وزیر حمل و نقل این کشور از پروژه کریدور عراق - اردن و مصر تحت عنوان «خط تجارت عربی» رونمایی کرد. در صورت اجرایی شدن، این پروژه کریدوری برای انتقال کالا از شرق آسیا به خلیج فارس، عراق و اردن و سرانجام از طریق طابا و صحرای سینا به بندر العریش و پورت سعید در مصر خواهد بود که شرق آسیا را به اروپا متصل می‌کند. «الوزیر» مدعی شد که عراقی‌ها با انصراف از مسیر ترکیه، خواستار مشارکت در کریدور «تجارت غربی» شده‌اند، ظاهراً نیز پروتکل این همکاری با وزرای حمل و نقل اردن و عراق امضاء شده است. به نظر می‌رسد نقشه‌های جدیدی برای ایجاد شبکه‌های ارتباطی ریلی و جاده‌ای و نیز توسعه بنادر در غرب آسیا و دریای مدیترانه در حال شکل‌گیری است که با ارائه گزینه‌های مختلف کشورهای منطقه تلاش دارند سهمی از این چرخه اقتصاد جهانی آسیا به اروپا، آمریکا و آفریقا را دریافت کنند. در اینکه سرانجام کدام مسیرها طرح عظیم «یک کمربند، یک جاده» چین را ایجاد خواهد کرد، بستگی به میزان سرمایه‌گذاری‌ها دارد. با توجه به آنکه مصر از بحران اقتصادی شدیدی رنج می‌برد و پروژه‌هایی از این نوع که عمدتاً پیمانکاران آن ارتش مصر هست، با فقدان منابع مالی روبه‌رو هستند. شاید زود باشد که نسبت به سرنوشت این مسیر ارزیابی خوشبینانه داشت، زیرا مصر به‌عنوان یک کشور عربی - آفریقایی با

بحران‌های بالقوه و بالفعل بسیاری مواجهه است. امنیت ملی و جغرافیای سیاسی مصر در دواير متعددی با چالش روبه‌رو است؛ دریای مدیترانه و مسئله انرژی، دریای سرخ و مسئله امنیت ملی و امنیت دریایی، خلیج فارس و رقابت آن با کانال سوئز در انتقال کالا به دریای مدیترانه، رود نیل و سد نهضت که امتداد آن به شاخ آفریقا، سودان، اتیوپی، سومالی، اوگاندا، کنگو، کنیا و نیجریه نیز می‌رسد، مسئله رژیم صهیونیستی و مقاومت جهاد اسلامی و حماس و مسئله لیبی، همه این مسائل تنها بخشی از چالش‌های مصر هستند که بحران اقتصادی داخلی و بدهی ۱۶۵ میلیارد دلاری این کشور را نیز باید به آن افزود. عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهور مصر برای رهایی از مشکلات متعدد، سیاست خارجی فعالی را در پیش گرفته است و با حضور در کنفرانس‌های مختلف نظیر کشورهای عضو «بریکس»، کنفرانس سران عرب و چین در عربستان، کنفرانس کشورهای عرب در امارات در سال ۲۰۲۳ و کنفرانس‌های آمریکایی - آفریقایی می‌کوشد جایگاه مصر را بهبود بخشد، ضمن آنکه روابط نزدیکی با روسیه و چین نیز برقرار کرده است. او با اذعان به وجود چالش‌های متعدد داخلی و خارجی در مصر شعاری را دائماً تکرار می‌کند که «این چالش‌ها هستند که فرصت‌ها را می‌سازند».

یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل تحرکات مربوط به کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا، دیپلماسی توسعه‌ای چین است که جان تازه‌ای در همگرایی‌های منطقه‌ای و کاهش تنش‌ها در میان کشورهای خاورمیانه دمیده است. دیپلماسی توسعه چین نسبت به همتای غربی خود، گفتمان متکبرانه کمتری دارد زیرا بر ایده سود متقابل و اصول عدم مداخله در امور داخلی کشور وام گیرنده و سرمایه‌پذیر متمرکز است. اگرچه گزارش‌های خوشایندی از کشورهای آفریقایی که از چین وام گرفته‌اند به گوش نمی‌رسد، لذا نمی‌توان ادعا کرد که دیپلماسی توسعه چین کاملاً خیرخواهانه و اخلاقی است یا به رویکرد واقع‌گرایانه‌ای که هدف آن دستیابی به منافع بیشتر است تعلق ندارد، اما در مقایسه با الگوی وام دهی و سرمایه‌گذاری‌های غرب از موقعیت بهتری برخوردار است. البته چین متهم است با دادن وام‌های فراتر از توان کشورهای گیرنده وام برای آنان در بازپرداخت بدهی‌های خود، «تله بدهی» ایجاد می‌کند.

غربی‌ها چین را متهم می‌کنند که تبادلات اقتصادی این کشور با کشورهای در حال توسعه دارای درجه بالایی از رازداری، عدم شفافیت و عدم پاسخگویی است. علی‌رغم آنکه مدل چینی با انتقادات فراوانی از سوی غرب مواجه شده است، اما از آنجا که بسیاری از پروژه‌ها که چین منابع مالی آن را تأمین می‌کند، زیرساختی و زیربنایی هستند، کشورهای علاقه‌مند همچنان رو به فزونی هستند به‌ویژه آنکه

طرح حمل و نقل «خشکی پایه» چین که ترکیبی از توسعه بنادر، راه‌های جاده‌ای و ریلی است، برای کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا همچنان جاذبه دارد.

به نظر می‌رسد، در مجموع دیپلماسی فعال چین در منطقه خاورمیانه بر روابط بسیاری از کشورها با یکدیگر از جمله بهبود روابط جمهوری اسلامی ایران با عربستان و مصر اثرگذار بوده است. نگاه به شرق کشورهای عربی خاورمیانه اگرچه از چشم آمریکا و اروپا پنهان نیست، اما واقعیتی است که در حال رخ دادن است. استمرار و ارتقاء همگرایی جدید در منطقه به میزان بسیار زیادی به خلیج فارس وابسته است، آبراهی که جمهوری اسلامی ایران بیشترین نفوذ و قدرت را در آن دارد.

